

## میلیتاریزم!

### ( سانسوری در ابعاد جهانی )

رشاد - مصطفی سلطانی

هفته‌ی فوریه ۲۰۲۱



در زمان کنونی ، سخت تر از همه‌ی دردها نیافتن همدرد است .

میلیتاریزم سیمای کریه و نفرت شده‌ی دنیای متمدن امروزی و سانسوری در همه‌ی ابعاد زندگی بشری است. با تمام تفاسیل سانسور مخالف انتشار اندیشه‌های مدرن بوده، اما میلیتاریزم مخالف بالندگی و گسترش دموکراسی است. کنترل جهان بیگمان در اختیار حلقه‌ی کوچکی از میلیاردر هائی است که مخفیانه و آشکار جهان را اداره میکنند. اگر حملات کارتل ها، تراست ها، شرکت های چند ملیتی، تهدیدهای ابزارهای میلیتاریزم ، سیاست ها و ستم های هدایت کننده‌ی این ابزار توتالیترها را جدی بگیریم شهروندان دنیا بدون شک " عبرت تاریخ " خواهند شد. میلیتاریزم مضاعف و ترورهای دولتی در سرزمین کردستان و جدان انسان را بشدت آزار میدهد. مخازن موشک های شلیک نشده و بمب های فرو نریخته و جنگ افزارهای مخرب، بمراتب از مخازن انبارهای وسایل کمکی هنگام زمین لرزه، سیلاب ، بارندگیهای شدید، آتش سوزیهای طبیعت و جنگل ها وانبارهای گندم و جو و آرد ( سیلوه‌ها) ، انبار های داروهای پزشکی عظیم ترند. بودجه نظامی بزرگترین قدرت اقتصادی جهان "امریکا" به تنهایی از بودجه‌ی نظامی چین ، روسیه ، آلمان ، ایتالیا، انگلستان ، فرانسه بیشتر است . ماشین جنگی قدرت های نظامی شامل ماسمیدیای نیرومند ، ناوهای هواپیما بر ، زیر دریائی های اتمی ، پایگاه های گوناگون در سطح جهان ، شنود های جاسوسی ، شبکه‌ی ماهواره‌های فضایی و تجسسی، آواکسها، تیم های جاسوسی ، ترورهای مستمر دولتی و جنگ های راونی است. در عمل تکنولوژی پیشرفته بیشتر از هفت میلیارد انسان را همسایه‌ی یکدیگر نموده‌است. شگرد تکنولوژی در جنگ جهانی دوم بمباران وسیع کشور آلمان نازی نبود بلکه متفقین با شکستن سیستم های پیچیده‌ی رمزگذاری بر آلمانی ها پیروز شدند. بشریت اسیر دیوای است که آنرا از آجر های نادانی ساخته است و، مبارزه‌ی طبقاتی کافی نبوده، بلکه اندیشه‌ی های بت شکنانه و ترجمه‌های قابل انطباق نیز ضرورت دارند. نظم مدرن و انسان

دوستانه آرزوی توده‌های مردم است که لزوماً با افکار مارکسیستی بیگانه و آشنائی ندارند. مردم جهان شاید از "ترس" آنچنان وحشتی ندارند، بلکه از فقدان یک اپوزیسیون توانا و خط‌مشی سازگار و نجات‌دهنده در جهان و پراکندگی نیروهای دمکراسی طلب و چپ کولوکتیویزم\* با سیمای انسانی رنج می‌برند.

ماسمیدیا بعنوان ابزاری که زبانش از "طناب دار" دراز تر است، در خدمت قدرت‌های اقتصادی و سیاسی، شهروندان را در ناآگاهی نگه داشته و در حقیقت به "حقیقت" جفا کرده است. واژه‌ی فریب‌دهنده‌ی حقوق "بشر" حقیقتاً در مقوله‌ی شک و تردید ترجمه و ارزیابی می‌گردد. اکنون براساس منابع جامعه‌شناسی شیوه و فورمی از سرمایه‌داری اقتصادی - نظامی بطور شرمگینانه ظهور کرده است. چپ‌های کلاسیک و سنتی در تشکل‌های کوچک و بیرمق منزوی گردیده‌اند. اعتراضات چپ مدنی و خیابانی پرچین و شکن است و بگونه‌ای پژواک و بازتاب بین‌المللی یافته است. انقلاب‌ها تنها مبارزه بخاطر توزیع عادلانه‌ی ارزش‌ها و ثروت‌های پولی نیست، همزمان بخاطر پاکی ارزش‌های انسانی نیز می‌باشد. نظم کنونی جهان قادر به برقراری عدالت اجتماعی نبوده و نمیتواند بر بحران‌های پیروز شود. مواضع و دکترین دفاعی فریب‌دهنده‌ی قدرت‌های بزرگ در برابر بشریت صراحت نبوده بلکه وقاحت محض می‌باشد. گذار به جامعه‌ی عدالت خواه و دمکراسی مسیری بسیار سخت و طولانی بوده که ائتلاف گسترده‌ای تمام نیروهای اجتماعی را می‌طلبد. گرایش به اتحاد و همکاری در زمینه نقاط و دردهای مشترک، در نیروهای رادیکال و سیکولار در سطح ناگوار است. میلیتاریزم توانسته در سطح بالائی، محیط زیست را که بهر موجودی تعلق دارد ویران و پروسه‌ی آنرا سرعت‌سراسم آوری بخشد.

انقلاب‌های چین، روسیه، ویتنام، نیکاراگوئه، کوبا و آلبانی در راهی قدم نهادند که به "سرمایه‌داری دولتی" منتهی گردید و، در عمل زمینه را برای دیکتاتوری خشن "حزبی" مهیا نمودند. با گذشتی تاریخی میتوان نظم و عدالت اجتماعی را با دمکراسی مترادف دانست. اگر چه طبقه‌ی متوسط جدید، برخی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های رادیکال دارد، اما مراحل گذار را بسوی دمکراسی مشکل‌تر کرده است. میلیتاریزم با ماسمیدیا، زندان‌ها، شمش‌طلا، کتاب‌های آموزشی، مساجد، دلار، کلیساها، معابد و تیمپل‌ها\*\*، نفت خام، ماهواره‌های فضائی، تراستها و کارتل‌ها تکمیل‌گشته و عمل می‌کند و، دفاعش در برابر افکار عمومی جهان همواره یک روکش لیبرال‌منشانه و فریب‌کارانه می‌باشد. تمام

\* کولوکتیویزم: اندیشه و دکترینی که نامتمرکز و غیره دولتی بوده و مبین و بیانگر عدالت اجتماعی است.

Collectivism

\* معابد و پرستش‌گاه‌های بودائیان را Temple می‌گویند.

( ر - م س )

حرفه‌ی فوریه‌ی ۲۰۲۱

میلیتاریزم به شیوه‌یک کومه‌لگای مرفه‌ی دیل و خوی داسه‌پاندوه، که مندالیک‌ی ره‌زا سوک و هزار بو پاریزگاری له مان نهمان و له تراویلکه‌ی خمونه‌کانیدا، خوی چه‌مکدار کردوه.